

یادداشت

ضرورت تداوم فرهنگ‌ها یا عدم آن در گرافیک معاصر–۸



ناصر نصیری

مدرس دانشگاه

● به گفته گوته کهنه‌ها هرگز ابداع نشده‌اند، بلکه تنها رخ داده‌اند در حالی که اندیشه، کشف نسبتا اخیر انسان است، انسان ابتدا به صورت ناخودکاه رفتار می‌کرد و بعدها به علت اتفاق‌ها و عوامل فکر کرد. اما آنچه در این میان برای ما اهمیت دارد این است که انسان امروزین به آن اندازه که نیاکانش به مکاشفه باور داشته‌اند در دایره کشف و شهود گرفتار نمی‌آید و در تلاشی مداوم برای یافتن علت پدیده‌هاست نه پذیرش آنها، البته انسان امروزی نمی‌داند که با وجود منطق و کارایی خود همچنان اسیر قدرت‌هایی است که نمی‌تواند مهارشان کند. الهه‌ها و ابلیس‌ها نابود نشده‌اند و تنها نام‌های خود را تغییر داده‌اند و همواره با ممارست، انسان را گرفتار نگرانی و تشویش‌های مبهم کرده‌اند.

تاریخ نمادگرایی نشان می‌دهد که هر چیزی می‌تواند معنای نمادین پیدا کند؛ مانند اشیای طبیعی (سنگ‌ها، گیاهان، حیوانات، انسان‌ها، کوه‌ها، دره‌ها، خورشید، ماه، باد، آب و آتش) یا آنچه دست‌ساز انسان است (مانند خانه، کشتی و هر چیزی که انسان درست کرده باشد) و همین‌طور اشکال و اعداد و هندسه‌های انتزاعی مانند اعداد، سه‌گوش‌ها و چهارگوشه‌ها، دایره و… در حقیقت جهان با تمامی متعلقاتش مجموعه‌ای از نمادهای باقوه است.



انسان با گرایش طبیعی که به آفرینش نمادها دارد به گونه‌ای ناخودکاه اشیا یا اشکال را تغییر می‌دهد و به این ترتیب به آنها اهمیت روانی بسیار مهمی می‌دهد تا حالتی مذهبی یا هنری به خود بگیرند. نمادها برای نیاکان انسان که همواره تنگاتنگ ذهن و هنر می‌زیسته‌اند بسیار پرمعنا بوده است و آنها را به هیجان می‌آورد. رابطه تقابلی بین هنر و مذهب هنوز هم در اکثر هنرها حضور دارد. هنر خود به صورت نمادین دربردارنده رموز اسراری است که گاهی در همسویی با مذهب عمل می‌کند و گاه در تعارض کامل با مفاهیم مورد انتظار مذهب قرار می‌گیرد. نقاشی حیوانات بر روی دیوار غارهای فرانسه و ایتالیا و اسپانیا و ایران نشان از فرهنگی بسیار قدیمی در میان مردمان آن سرزمین‌ها دارد. نقوشی که درپردارنده باورهای افسون‌کننده‌ای هستند و همان حس جادویی خود را همچنان حفظ کرده‌اند. همان‌طور که هربرت کوهن تاریخ‌دان آلمانی می‌نویسد سلانگان بومی مناطقی که این نقوش در غارهای محل زندگی آنها قرار دارد از نزدیک شدن به آنها بهریز می‌کنند و به نوعی هراس مذهبی دارند از نزدیک شدن به این نقوش.

باوری مبتنی بر وجود ارواح در غارها و نقاشی‌های دیواری موجب می‌شود که آنها از نزدیک شدن به این نقوش دوری کنند. یا چادرنشینان آفریقای شمالی هنگام عبور از برابر نقاشی‌های روی تخته‌سنگ‌ها هدایایی نذر آنها می‌کنند. این نقوش همواره با خود معانی را در بر دارند که بر سرنوشت انسان تأثیرگذار بوده‌اند، تمنای شکار حیوانی که نقش آنها بر دیواره غار آمده است، نقوشی با پشتوانه آیین باروری و حاصلخیزی، حتی نمایش واقع‌گرایانه حیوانات با زاری عناصر جادویی مفهومی نمادین به آنچه هست می‌بخشیده است.

انسان نخستین همواره بر آن بوده است تا بر حیوانات و طبیعت اطراف خود مسلط شود و قدرت آنها را به سبطه خود درآورد، برای نیل به این هدف روش‌های مختلفی را انتخاب کرده، به عنوان مثال پوست آن حیوان را می‌پوشیده است یا کلاهی که از سر آن حیوان برای خود ساخته است، سعی کرده پیروزی خود بر آن حیوان و جایگزین شدن به جای آن را به صورت نمادین یا خود همراه کند. تا جایی که پس از پوشش آن پوست یا کلاه و… سعی کرده تا جایی که می‌تواند به خصوصیات آن حیوان نزدیک‌تر شود. البته این جایگاه در دست بزرگان طایفه یا قبیله بوده است یا همان شاه یا سلطان یا افراد برترگد در زمینه‌های مختلف. در اقوام دیگر این رویکرد به تفهیم روح حیوان، یا جذب انرژی و توان آن موجود، به صورت نقاب رخ داده است. این نگرش مردمان آن سرزمین‌ها به آثار و نقوش در ایران نیز کماتکان به همان منوال رایج بوده است. ما در شاهنامه و ننگرگری‌ها از این موارد کم نداریم به عنوان مثال کلاه رستم سر دیو سفید است و این به معنی چیرگی رستم بر این قدرت ماورائی است.

امید جوانخت: سعید راد، بازیگری خوش قامت با چشمانی روشن در آستانه ۷۶سالگی تنها ستاره بازمانده از دهه ۵۰ است که هنوز شمایل بازیگری‌اش را حفظ کرده، حتی اگر نقش مهمی به پشتش نخورد. او از معدود بازیگرانی است که قدر خود را می‌داند و با ورزش و روش زندگی سالم هنوز خود را روی فرم نگه داشته است و هنوز در انتظار دعوت به نقشی جاندار که بتواند در آن از همه توانایی‌های بازیگری‌اش بهره ببرد، عطش دارد. این ویژگی ارزشمند و کمیاب در سینمایی که اغلب بازیگرانش با رسیدن به حوالی ۴۰سالگی و شهرت دیگر نه جذابیت‌های گذشته را دارند و نه تلاش و جدیتی برای حفظ ابزارهای بازیگری‌شان، او را در جایگاه مهمی قرار می‌دهد. او معمولاً ابایی از حضور در مصاحبه‌ها و برنامه‌های تلویزیونی یا اینترنتی ندارد. ساختار معیوب و کلیشه‌ای سینمای ما برای بازیگران پایه‌سن‌گذاشته چندان نقش و موقعیتی برای جولان ایجاد نمی‌کند و این مسئله برای بازیگرانی که در دوره‌ای بسیار مطرح و فعال بوده‌اند، موقعیت پیچیده‌ای ایجاد می‌کند، اگر به دلایلی مانند نیاز روحی یا مالی مجبور به ادامه فعالیت باشند، مجبورند به ایفای نقش‌های فرعی در فیلم‌های معمولی و فیلم‌سازی کم‌تجربه تن دهند که عمدتاً جای کار زیادی ندارند (مانند اغلب نقش‌های اخیر هاشم‌پور) یا قید بازیگری را زده و فعالیت کناره‌گیری کنند(مانند قریبان). کارنامه سینمای ایران در پرداختن به نقش‌های مهمی که در سنن میان‌سالی یا پیری باشد، چندان قابل توجه نیست و از گونه‌های معدود این نقش‌ها را که خوب نوشته و ساخته شده‌اند، می‌توان در فیلم‌های اخیر بهمن فرمان‌آرا و چند فیلم اخیر حامنی‌کیا مشاهده کرد که برای بازیگرانی مانند نصیریان، قریبان، پرستویی و کیانیا و زنده‌یادان مشایخی و انتظامی امکان‌های بروز توانمندی‌هایشان ایجاد کرده‌اند. سعید راد که به واسطه ورزش پولینگ در سال‌های جوانی توسط امیر نادری و علیرضا زین‌دست پایش به سینما و فیلم «خداحافظ رفیق/۵۰» برای بازی در نقش اصلی کشیده شد، از همین فیلم استعداد و جنم بازیگری‌اش در کنار ویژگی‌های ظاهری‌اش او را در قامت بازیگری خوش‌آبته مطرح کرد و چنان مورد توجه فیلم‌سازان قرار گرفت که تبدیل به یکی از ستاره‌های پرکار دهه ۵۰ شد و طی هفت سال (تا انقلاب) در ۳۴ فیلم بازی کرد؛ یعنی تقریباً هر سال پنج فیلم. نکته جالب اینکه او هم‌زمان هم مورد توجه فیلم‌سازان متفاوت موج نو قرار داشت و هم به‌عنوان ستاره فیلم‌های بدنه و تجاری عاملی برای جذب مخاطبان عام به این فیلم‌ها بود. در این دوره هرچند غالب فیلم‌های او در زمره فیلم‌های عامه‌پسندی بودند که از فیزیک و چهره او بهره می‌برند، ولی حضور در فیلم‌ها کافر، فریدون گله/ ۵۱، صبح روز چهارم، کارمن شیردل/ ۵۱، صادق کرده، ناصر تقوایی/ ۵۱، تنگنا، امیر نادری/ ۵۲، مسلخ، هادی صابر/ ۵۳، سفر سنگ، مسعود کیمیایی/ ۵۶ و ساخت ایران، نادری/ ۵۷ که به نوعی از فیلم‌های متفاوت آن سال‌ها بوده و به یمن کارگردانانی خوش‌فکرت و نقش‌هایی متفاوت‌تر، علاوه بر جنبه‌های ظاهری، توانایی‌های بازیگری او را نیز عیان کرده و از سایر بازیگران تجاری آن دوران متمایز می‌کرد. او که آخرین فیلم این دوره‌اش «ساخت ایران» را در آمریکا بازی کرد، پس از انقلاب به ایران برگشت و در سال ۶۰ با بازی در سه فیلم مرز/ جمشید حیدری، فرمان/ کوپال شکات و خط قرمز/ کیمیایی دوره دوم فعالیت خود را آغاز می‌کند. دو فیلم اول در فضایی روستایی بودند که خیلی ویژگی خاصی نداشتند جز اینکه «مرز» اولین فیلم مرتبط با جنگ بود و در «فرمان» نیز راد با هیئت متفاوت (ریش‌هایی سفید و ردایی

هنر



نگاهی به کارنامه ۵۰ساله «سعید راد»

عبور از تنگنای خط قرمز

بلند) ظاهر می‌شد و البته حضور در این دو فیلم که موضوعاتی باب طبع روز (مبارزه با ظلم) داشتند، زمینه حضور در سینمای پس انقلاب را برای راد هموار می‌کرد؛ اما دعوت کیمیایی او برای ایفای نقش یک ساواکی در فیلم متفاوت خط قرمز موقعیت دشواری را برایش رقم می‌زد؛ از یک سو حضور در فیلمی از کیمیایی برای او که تجربه موفق «سفر سنگ» را نیز داشت می‌توانست به اعتبار حرفه‌ای‌اش بیفزاید، اما از طرفی دیگر فیلم‌نامه حساس و جسورانه فیلم (که برخلاف نگاه کلیشه‌ای به ساواکی‌ها در فیلم‌های رایج آن دوران به کالبدشکافی شخصیتی یکی از آنها می‌پرداخت) در فضای ملت‌به آن سال‌ها می‌توانست ادامه مسیرش را دچار مخاطره کند، (چنان‌که ظاهراً به‌همین دلیل پیش از او قریبان نیز از خیر این نقش گذشته بود). این فیلم هرچند با فیلم‌نامه‌ای شخصیت‌محور و خوب‌نوشته‌شده نقطه اوجی در کارنامه بازیگری راد شد، اما چنان‌که پیش‌بینی می‌شد، در محاق توقیف گرفتار آمد و اکران نشد. در همین زمان زنده‌یاد ایرج قادری نیز به جهت اینکه بتواند در شرایط متفاوت بعد از انقلاب به فعالیتش ادامه دهد، فیلم‌نامه برخی‌ها را (با مضمون تعدادی زندانی با عقاید مختلف که با بازگشایی زندان‌ها در قصد خروج از مرز با یکدیگر هم‌مسیر می‌شوند و در یکی از بازگشایی‌های مرزی در برابر تهدیدی خارجی تحت تأثیر کدخدا با هم برای دفاع متحد می‌شوند) برای ساخت انتخاب و سعید راد را به همراه تعدادی از ستاره‌های مهم سینمای قبل از انقلاب که آنها هم در

درباره نمایشگاه منصور وکیلی در گالری شیرین

کاشف جهان اسرار تکرار و سادگی

زمزمه و وردی که زیر لب می‌خوانی یا بادی که در میان کندمراز می‌پیچد، و تکرار فضاهای خالی و تکرنگ که ما را اسیر خود می‌کنند، مثل سکوت‌های طولانی یا مناظر تکرنگ و بی‌جزئیات، این بی‌الایشی و تأکید بر آنچه جهان بر رمز و راز و وسیعی دارند که هرچه هنر مدرن بدان یا می‌گذارد از آن نه‌تنها کاسته نمی‌شود، که گویی چیزی در مسیر دستگیرش شده و بدان افزوده می‌شود. دویید هاکنی نقاش درجه یک انگلیسی به درک درستی از این ماجرا رسیده است و در کتاب تاریخ تصویر می‌گوید: «به محض اینکه روی یک تکه کاغذ دو یا سه خط می‌گذارید، بین آنها ارتباطی برقرار می‌شود. شبیه به چیزی می‌شوند. اگر دو خط کوچک بشکشد ممکن است شبیه دو فیکور یا دو درخت شوند. انواع چیزها را از لکه‌ها برداشت می‌کنیم. با حداقل لکه‌گذاری می‌توانیم منظر، آدم‌ها و چهره‌هایی را نشان بدهید. همه‌اش به یک چیز بستگی دارد: توانایی انسان در دیدن یک لکه یا خط به عنوان تصویر».

منصور وکیلی در نمایشگاه زمزمه‌های آهنکین در گالری شیرین، به آهنک و حروف این گستره بی‌پایان سادگی و اسرار تکرار در طبیعت دست پیدا کرده و او را می‌توان کاشف جهان بیرمز و راز تکرار دانست. چیزی که در ادبیات شاید فروغ و را در داستان شاید جمال‌زاده را و در خط و نقاشیخط به‌خصوص در سال‌های اخیر شاید احصایی و در سینما همچون فیلم‌های تارکوفسکی را بتوان نام برد. وکیلی در نقاشی‌هایش از منظر دیدگاه سیاسی کاری را گویی می‌کند که یک زندانی و در فرهنگ عامیانه همان کاری را می‌کند که



شرایط جدید موقعیتی برزخی داشتند نیز دعوت کرد. این فیلم هرچند از نظر ارزش‌های سینمایی فیلم مهمی به حساب نمی‌آید اما به لحاظ کنار هم قرارگرفتن سعید راد و زنده‌یادان ناصر ملک‌مطیعی، محمدعلی فردین و ایرج قادری فیلمی خاص به حساب می‌آید که گرچه قرار بود مجوزی برای استمرار فعالیت ستارگانش در شرایط جدید ایجاد کند، اما استقبال وسیع مردم، مستمسکی به دست برخی افراطیون داد که علاوه بر ممانعت از ادامه اکران فیلم، با فشار بر وزارت ارشاد مانع از ادامه فعالیت آنها شود و این فیلم را به آخرین اثر کارنامه‌شان تبدیل کردند. تنها سعید راد به اعتبار فیلم‌های معتبر بیشتری که در کارنامه داشت توانست در سال بعد فیلم‌های دادشاه/ حبیب کاوش و عبور از میدان مین/ جواد طاهری را نیز بازی کند. نقش «دادشاه» مبارزی که با یارانش علیه سیاست‌های حکومت مرکزی برمی‌خیزد با نقش و گرمی جذاب مورد استقبال جوانان قرار گرفت و در فیلم دوم هم نقش افسری که در شرایط جنگی کامیون حامل مهماتی را با تبحرش با عبور از میدان مین به سربازان گرفتار می‌رساند، تأثیر زیادی در فروش فیلم داشت. حضور در فیلم جنگی ساموئل خاچیکیان، فیلم‌ساز مطرح دهه‌های ۳۰ و ۴۰ و ایفای نقش خلبان فیلم «عقاب‌ها/۶۴» چنان مورد استقبال قرار گرفت که در مدتی کوتاه تبدیل به پر فروش‌ترین فیلم تاریخ سینمای ایران شد و تا اوایل دهه ۷۰ بارها در سینماها اکران مجدد می‌شد. در ابتدای اکران، ارشاد استفاده از اسامی شناسنامه‌ای بازیگران را اجباری کرد و در تبلیغات و پوسترها نام سعید راد به احمد حق‌پرست‌راد تبدیل شد. مسئولان سینمایی وقت که به اقتضای شرایط تمایلی به ستاره‌شدن بازیگری نداشتند با فروش فوق‌العاده عقاب‌ها و چند فیلم قبلی راد تصمیم به ممانعت از بازیگری او گرفتند. این اتفاق برای جمشید هاشم‌پور که با اکران هم‌زمان دو فیلم پرفروش تاراج و عقاب‌ها تبدیل به ستاره شده بود و نیز ایرج قادری کارگردان تاراج هم افتاد (هرچند هاشم‌پور به دلیل نداشتن سابقه قابل ملاحظه‌ای در سینمای قبل از انقلاب توانست پس از چند سال به فعالیتش ادامه دهد). این ممنوعیت شرایطی را برای راد ایجاد کرد که امکان حضور در چند فیلم فیلم‌سازی چون کیمیایی و تقوایی را از دست داد و فیلم عقاب‌ها پایانی بر دومین دوره فعالیتش شد. مهاجرت اجباری، بیش از یک دهه او را از فضای ایران و سینما دور کرد و در کانادا و آمریکا به فعالیت‌های متفرقه‌ای پرداخت. پس از گشایش فرهنگی اواخر دهه ۷۰ به ایران بازگشت و در بدو ورود با پیشنهاد ناصر تقوایی برای فیلم «زنگی و رومی» مواجه شد که فیلم‌نامه متفاوت آن و حضور فرامرز قریبان و هدیه تهرانی نوید فیلمی تماشایی و شروع باشکوه مجددی را برای راد می‌داد که متأسفانه در همان ابتدای فیلم‌برداری به دلیل عدم تأمین شرایط مورد نظر تقوایی توسط تهیه‌کننده برای همیشه متوقف شد و حسرتی را برای همه عواملش و سینمای ایران به جا گذاشت. راد سپس با پیوستن به پروژه بزرگ دونل/ احمدرضا درویش و ایفای نقش منفی و جذاب اسکندر در اولین فیلم دوره سوم فعالیتش، حضوری به‌یادماندنی داشت. او که در اغلب نقش‌های همیش صدا یا بهت منوچهر اسماعیلی همراهی‌اش می‌کرد، در این فیلم برای نخستین بار صدای خاص و خش‌دارش همراه بازی‌اش شد. اولین پلان ورودش به فیلم بسیار حساب‌شده و سینمایی ساخته شده است. در فضای ملت‌به جنگی چند ماهش از محق کادر نزدیک می‌شوند و یکی‌شان در جلوی کادر می‌ایستد و با بازبینی در راد با کریم اسکندر پیاده شده و پس از مکثی از کادر خارج می‌شود. این اعلام حضور دوباره بازیگری خاطر‌ساز است.

مشترک کشورها و ملت‌ها و تمدن‌ها و فرهنگ‌ها وکیلی را به ابداع زبانی از تصویر رساننده است که هر بی‌زبانی می‌تواند در آن زبان قابل فهم خود را بجوید. اگر هنر را کوششی بدانیم برای آفرینش صور لذت‌بخش، آثار وکیلی این حس زیبایی را می‌تواند راضی کرده و حس زیبایی وقتی راضی می‌شود که ما نوعی وحدت یا هماهنگی حاصل از روابط صوری در مدرکات حسی خود را دریافت کرده باشیم. در آثار وکیلی این صورت‌های ذهنی به خوبی برای مخاطب پدیدار می‌شود. «او نقاشی است که در این جهان پرتلاطم که انسان دچار پارادوکس‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی-فرهنگی گشته، دنبال چییدن لایه به لایه رنگ‌های آرامش بر سطح بوم است». تا برای هزارمین بار او را به یک نظم شکفت‌انگیز، برمعنا، کم‌ظنیر و وسیع در جهان هستی دعوت کند. چیزهایی از جنس خطوط ساده، رنگ‌های یکدست و هماهنگ که ما به سادگی از کنارشان عبور کنیم و شاید گاهی به اندازه یک کرویگی برای رسیدن به مکان کنج، باارزش و راه‌گشا باشند. اگر به قول هربرت ادوارد رید «اثر هنری به یک معنی راه‌ساختن شخصیت انسان باشد»، آثار وکیلی به این مهم دست یافته است. چندلایگی آثار وکیلی موجب شده است که از گذشت زمان تا رازآلودگی مفاهیم و تا آنچه ما از عرفان ایرانی به یاد داریم تداعی سازد. مفاهیمی که سخت به زبان می‌آید و سهل‌تر به شکل بدل می‌شوند، چیزی شبیه به اشعاری که هم سهل‌اند و هم در عین حال ممتنع و ما را در عین سادگی مجذوب خود می‌کنند.



گالری گردی

از خاک تا آسمان ابراندود

«زمین»، نمایشگاه آثار جواد

علیمحمدی‌اردکانی در گالری آرتیبیشن

● نمایشگاه آثار جواد علیمحمدی‌اردکانی با عنوان «زمین» از تاریخ ۲۱ آبان در گالری آرتیبیشن

به نمایش درخواهد آمد.

نقاشی‌های جواد علیمحمدی‌اردکانی در مجموعه «زمین» با نگاهی متفاوت به طبیعت و یادآوری «زمین» به‌عنوان بستر اصلی و اولیه زیست بشریت خلق شده است. هدف از نمایش این آثار علاوه بر اهمیت تکنیک و زیبایی‌شناسی هنری در نهیمی است به مخاطب و نوع نگرش و برداشتی که از طبیعت پیرامونش خواهد داشت. اردکانی که پژوهش هنر را تا مقطع دکترا آموخته، پیش از این مجموعه آثارش در ۱۷ نمایشگاه گروهی و انفرادی از جمله گالری‌های لاله، باران، درسا، آکو و فرمانفرسا به نمایش درآمده است و طی سه دهه فعالیت اکنون با مجموعه «زمین» به گالری آرتیبیشن می‌آید.

در استیمنت این نمایشگاه نوشته شده: «از خاک و خُرده‌سنگ تا کوه‌های سترگ و از مه سیال تا آسمان ابراندود، نه در درخشان‌ترین ساعات نورانی روز، بلکه در لحظاتی که جلوه «زمین» با کزتاب‌های نور غروب یا صبحگاهان یا تیرگی شاهنگامی که هیبت و هیبت این عناصر حادثه «زمین‌بودگی» را ممکن کرده، موجد پویایی تکاملی نگاه به «زمین» در مجموعه‌ای است که جواد علیمحمدی‌اردکانی به همین نام فراهم آورده است.»

نمایشگاه زمین از ۲۱ آبان تا ۳۰ آبان‌ماه برای نمایش عمومی برپاست و بازدید از این نمایشگاه هرروزه از ساعت ۱۱ صبح تا ۲۰ و در روزهای تعطیل از ساعت ۱۶ تا ۲۰ با هماهنگی قبلی امکان‌پذیر خواهد بود.

علاقه‌مندان می‌توانند برای تماشای آثار از نزدیک با رعایت پروتکل‌های بهداشتی به نشانی خیابان شرعیتی، پل‌تین‌از چسپینه ارشاد، نرسیده به همت، گلرنبی (غرب)، میدان احمدی‌روشن (کتابی)، خیابان ساسانی‌پور، خیابان دریا (قندی)، شماره شش، گالری آرتیبیشن مراجعه کنند. همچنین نمایشگاه برای افرادی که در قرنطینه به سر می‌برند، به صورت آنلاین و هم‌زمان با آغاز نمایشگاه در سایت آرتیبیشن (www. artibition. net) قابل مشاهده خواهد شد.
تلفن تماس علاقه‌مندان جهت هماهنگی و بازدید از آثار: ۰۲۱۲۹۲۲۵۳۸

تلفن پاسخ‌گویی واتساپ و تلگرام: ۰۹۳۷۶۰۳۶۹۸

هنر

هایده صفی‌یاری داور جشنواره تالین شد



● هایده صفی‌یاری، تدوینگر شناخته‌شده سینمای ایران، به‌عنوان یکی از داوران جشنواره شب‌های سیاه تالین در کشور استونی انتخاب شد.

هایده صفی‌یاری در کنار «خاویر بوستامنته» از کواتمالا، «الغار آدالاسنتیز» کارگردان اهل کشور ایسلند، «مصطفی سرور فرخ» از بنگلادش و «پل تیلنگس» از لوکزامبورگ، ترکیب هیئت داوران بخش فیلم‌های اول بیست‌وپنجمین جشنواره بین‌المللی شب‌های سیاه تالین را تشکیل می‌دهند. صفی‌یاری تاکنون تدوین بیش از ۷۰ فیلم بلند سینمایی را بر عهده داشته که از آن جمله می‌توان به دو فیلم برنده اسکار «جدایی» و «فروشنده» و فیلم جدید «قهرمان» ساخته جدید اصغر فرهادی اشاره کرد.

بیست‌وپنجمین جشنواره فیلم شب‌های سیاه تالین در کشور استونی امسال میزبان چند فیلم کوتاه و بلند از سینماگران ایرانی نیز هست و در این رویداد سینمایی که از تاریخ ۱۲ تا ۲۸ نوامبر (۲۱ آبان تا ۷ آذر) برگزار خواهد شد، در بخش مسابقه اصلی فیلم «کشتن خواجه» به کارگردانی عبد آبست حضور دارد و فیلم «جاده خاکی» ساخته پناه پناهی به همراه «وقت جیغ انار» از گراناز موسوی و محصول مشترک افغانستان، استرالیا، ایران و هلند هم در بخش جریان‌های جدید این جشنواره به روی پرده خواهند رفت.

همچنین دو فیلم «ارتودنسی» به‌کارگردانی محمدرضا میقانی و «آنها قرار بود از رودخانه عبور کنند»، ساخته فائزه کریم‌پور به عنوان محصول فرانسه در بخش آثار کوتاه، «دیوار چهارم» ساخته مجبوه کلایی در بخش مسابقه انیمیشن کوتاه، «رسیدن» به کارگردانی محمدرضا رسولی به عنوان محصول اتریش در بخش استعدادهای جدید کوتاه و انیمیشن «نوازنده» از رضا ریاحی (محصول فرانسه) نیز در بخش سفرهای انیمیشنی این رویداد سینمایی نمایش خواهند داشت.